



## The normalization of tension in US-Iran relations from the perspective of ontological security<sup>1</sup>

Faride Amani<sup>1</sup>, Abas mokarami<sup>2</sup>, Mohamad sotode arani<sup>3</sup>

<sup>1</sup>Master's degree, International Relations Ferdowsi University Mashhad, Iran (Corresponding Author).  
faridehamani70@gmail.com

<sup>2</sup> Graduated from the Master's degree in political science at Bagher Al-ulum University, Qom, Iran.  
abbas.mokarrami@yahoo.com

<sup>3</sup> Associate Professor, University of Bagher al-ulum, Qom, Iran. m.sotode43@gmail.com

Received: 22 May 2019 Accepted: 6 August 2019

### Abstract

Relations between Iran and the United States have undergone tensions and divergences after the Islamic Revolution in Iran. So that perspective of both countries regarding international issues is in contrast with each other. Although each of these two countries, at some points, tried to talk about a number of issues that guaranteed their security and mutual benefits, but many factors interrupted it and prevented detente in bilateral relations between the two countries. Bilateral relations have been established between the two countries. Accordingly, the question is why, despite the direct and indirect contacts and negotiations between the two countries, Iran and the United States have not yet established their bilateral official relations? Based on the theory of ontological security, it is assumed that the hostility of Iran and the United States due to basic conflict has become common for both countries, and none of these two countries want to unsettle these normal relations and endanger its ontological security by establishing official relations. The findings of this study indicate that, given the continuous lack of official relations and lasting hostility between the parties for many decades and also giving identification basic disputes, ontological security has become very important to them. This paper uses a descriptive analytical method to advance its hypothesis.

**Keywords:** Iran-US relations, International system, Ontological security, Identity, Conflict.

---

<sup>1</sup> This article is based on a master's thesis titled: Investigating Persistence Factors of the Cutting-Off of Official Relations between Iran and the United States (۲۰۰۳-۲۰۱۶)..



## عادی شدن تنش در روابط ایران و امریکا از منظر امنیت هستی‌شناسی<sup>۱</sup>

فریده امانی<sup>۱</sup>، عباس مکرمی<sup>۲</sup>، محمد ستوده آرائی<sup>۳</sup>

کارشناسی ارشد، روابط بین‌الملل، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). faridehamani70@gmail.com  
کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشگاه باقر العلوم (ع)، قم، ایران. abbas.mokarrami@yahoo.com  
دانشیار، علوم سیاسی، دانشگاه باقر العلوم (ع)، قم، ایران. m.sotode43@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸د۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۵ مرداد ۱۳۹۸

### چکیده

روابط ایران و ایالات متحده بعد از وقوع انقلاب اسلامی دچار تنش‌ها و واگرایی‌هایی شد؛ به گونه‌ای که دیدگاه هر یک از دو کشور در خصوص مسائل بین‌المللی در تعارض با یکدیگر قرار گرفت. اگرچه هر یک از دو کشور در برهه‌هایی تلاش کردند که پیرامون برخی مسائل که امنیت و منافع دوجانبه آن‌ها را تضمین می‌نمود، به گفت‌وگو بپردازند، اما عوامل متعددی دست به دست هم داده و مانع تنش‌زدایی در روابط دوجانبه شده است. بر این اساس، سؤالی که مطرح می‌شود، این است که چرا به‌رغم تماس‌ها و مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم، دو کشور ایران و امریکا کماکان روابط رسمی دوجانبه خود را برقرار نکرده‌اند؟ بر اساس نظریه امنیت هستی‌شناختی، این فرضیه مطرح می‌شود که دشمنی ایران و امریکا به دلیل تعارضات مبنایی برای طرفین به امری عادی تبدیل شده است و هیچ یک از این دو کشور نمی‌خواهند با برقراری روابط رسمی این روند عادی را برهم زده و امنیت هستی‌شناختی خود را به مخاطره اندازند. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که با توجه به تداوم فقدان روابط رسمی و چند دهه خصومت پایدار میان ایران و امریکا و هویتی شدن منازعات مبنایی، امنیت هستی‌شناختی مبتنی بر منازعه، برای این دو کشور اهمیت فراوانی پیدا کرده است. این نوشتار برای پیشبرد فرضیه خود از روش توصیفی-تحلیلی استفاده نموده است.

**کلیدواژه‌ها:** روابط خارجی، ایران، امریکا، نظام بین‌الملل، امنیت هستی‌شناختی.

<sup>۱</sup> این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم فریده امانی با عنوان «بررسی عوامل تداوم قطع روابط رسمی ایران و امریکا (۲۰۱۶-۲۰۰۳)» است.

## ۱- مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله و سوال پژوهش

ایران و امریکا به لحاظ نگرش سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، دونقطه مقابل همدیگر را تشکیل می‌دهند. امریکا در پی هماهنگ کردن نیروهای ایران‌ستیز در نظام بین‌الملل است و ایران را مسبب ناامنی بین‌المللی می‌داند و ایران نیز در پی مقابله با نظام سلطه جهانی به رهبری امریکا می‌باشد. نزاع ایران و آمریکا خواسته یا ناخواسته رنگ و بوی ایدئولوژیک و هویتی به خود گرفته است. ریشه اصلی این منازعه، به بی‌اعتمادی دوجانبه‌ای برمی‌گردد که ناشی از طیف گسترده‌ای از مسائل سیاسی و ایدئولوژیک بین دو کشور است. این تضادها با بروز بحران ۲۰۰۳ عراق و حضور مستقیم امریکا در خاورمیانه و افزایش نقش منطقه‌ای ایران، جنبه راهبردی پیدا کرده است. در واقع، بی‌اعتمادی نزد طرف ایرانی به دنبال بروز بحران عراق و افغانستان و حضور نیروهای امریکا در منطقه و آثار آن بر امنیت ملی ایران و در نزد طرف امریکایی به دنبال حضور ایران در مسائل منطقه‌ای و فعالیت‌های هسته‌ای ایران و آثار آن بر امنیت ملی امریکا افزایش یافته است (برزگر، ۱۳۸۹، ص ۲). مسأله بعدی، بحث حمایت ایران از حزب‌الله لبنان و متحد در نظر گرفتن این جنبش است، درحالی‌که امریکایی‌ها حزب‌الله را گروه تروریستی می‌دانند. در ارتباط با روند صلح خاورمیانه و مسئله فلسطین امریکا تلاش می‌کند تا با مذاکرات صلح، ضمن پایان منازعه اعراب و اسرائیل، مشروعیت اسرائیل را نیز در منطقه تثبیت کند (رستمی و حسن‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۷).

تحریم‌های اقتصادی ایران، منازعه هسته‌ای، تهدیدات وجودی آمریکا برای جمهوری اسلامی ایران به واسطه ایجاد پایگاه‌های نظامی در همسایگی آن، حمایت آمریکا از گروه‌های مخالف ایران و سعی در به انزوا کشیدن آن در جامعه بین‌الملل، مخالفت آمریکا با سیاست‌های منطقه‌ای ایران و... نیز بر ابعاد این منازعات می‌افزاید.

علی‌رغم خصومت‌های دوجانبه، دو کشور در برهه‌هایی بر سر برخی از موضوعات با هم مذاکره کرده‌اند که می‌توان از آنها به عنوان لحظه‌های تنش‌زدایی یاد کرد. از مهم‌ترین این مذاکرات، گفتگوی نمایندگان ایران و آمریکا بر سر مسئله عراق و مذاکرات در باب موضوع هسته‌ای بود. با این مذاکرات، امید می‌رفت که دو کشور به سمت عادی‌سازی روابط حرکت کنند، اما این اتفاق رخ نداد؛ بنابراین، پرسش اصلی این است که چرا به‌رغم تماس‌ها و مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم، دو کشور ایران و آمریکا کماکان روابط رسمی دوجانبه خود را برقرار نکرده‌اند؟

### ۱-۲. فرضیه

دشمنی ایران و آمریکا برای طرفین به امری عادی تبدیل شده است و هیچ یک از این دو کشور نمی‌خواهند با برقراری روابط رسمی، این روند عادی را بر هم زده و امنیت هستی‌شناختی خود را به مخاطره اندازند. به عبارت دیگر، یک امر استثنایی (قطع رابطه و منازعه دوجانبه) در روابط آنها، تبدیل به امر عادی شده و طرفین، امنیت هستی‌شناختی خود را بر پایه آن تعریف کرده‌اند.

### ۱-۳. هدف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر این است که تعارضات هویتی به عنوان یکی از عوامل موثر در تداوم روابط تنش‌آلود ایران و آمریکا بررسی شود.

### ۱-۴. روش‌شناسی

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

## ۱-۵. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که در زمینه روابط ایران و امریکا انجام شده را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف. آثاری که از دیدگاه ایران به روابط دوجانبه می‌پردازند (معبادی، ۱۳۸۱؛ موسویان، ۱۳۹۴؛ دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۲؛ موسویان، ۱۳۸۸)؛  
ب. آثاری که در چارچوب برنامه هسته‌ای و تحریم‌های امریکا علیه ایران مطرح می‌شوند (جلالی و همکاران، ۱۳۹۳؛ برزگر، ۱۳۸۹؛ رستمی و همکاران، ۱۳۹۵؛ سلطانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳).

تفاوت اصلی پژوهش حاضر با تحقیقات قبلی، این است که نویسندگان در تلاش‌اند با رویکرد امنیت هستی‌شناختی، تنش طرفین را به عنوان امر مطلوب به تصویر بکشند. در ادامه، ابتدا نظریه امنیت هستی‌شناختی به عنوان چارچوب نظری معرفی می‌شود و سه عنصر آن به عنوان مبنای نظری این مقاله بیان می‌گردد و سه عنصر مذکور در روابط ایران و امریکا مصداقیابی شده و در سه بخش بعدی نشان داده می‌شود.

## ۲. چارچوب نظری: امنیت هستی‌شناختی<sup>۱</sup>

نظریه امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی از نظریه وجود انسانی آنتونی گیدنز<sup>۲</sup> در سطح فردی استنتاج شده است. گیدنز، امنیت هستی‌شناختی را به صورت نیاز اولیه افراد به احساس نوعی تداوم و نظم در حوادث، تعریف می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۴۴). در این نظریه، اساس بحث این است که دولت‌ها و نه فقط افراد، به همان میزان که دغدغه تأمین امنیت فیزیکی دارند، نگران امنیت وجودی خود هم هستند (استیل، ۱۳۹۲، ص ۱۰). مفهوم «امنیت

<sup>۱</sup> Ontological security

<sup>۲</sup> Anthony Giddens

هستی‌شناسی» از مفاهیم اساسی مکتب سازه‌انگاری روابط بین‌الملل است که در تقابل با مکتب واقع‌گرایی قرار دارد. این مفهوم در دو سطح فردی و دولتی قابل بررسی است.

## ۲-۱. سطح فردی

جنیفر میتزن<sup>۱</sup>، با بررسی امنیت هستی‌شناختی در بُعد فردی آن بیان می‌کند که افراد برای اینکه بفهمند چه کسی هستند باید احساس امنیت کنند (میتزن، ۱۳۸۸، ص ۲۶۲). به اعتقاد گیدنز<sup>۲</sup>، امنیت وجودی نوعی «احساس نظم در رویدادها، به‌ویژه آن‌هایی که در محیط ادراکی فرد قرار ندارد» تعریف می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۳۲۳). نوعی احساس ایمنی فرد در جهان به گونه‌ای که اعتماد دیگران را جلب کند و آرامش روانی فرد حفظ شود (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۱، ص ۳۰). امنیت هستی‌شناسی منتسب به «امنیت به مثابه وجود» (داشتن) است که گیدنز با آن به عنوان «امنیت به عنوان بقا» مخالف است. فرضیه امنیت هستی‌شناسی این است که موضوع به یک اضطراب اساسی تبدیل شده است. از آنجایی که افراد نیاز به احساس پایدار در تحقق بخشیدن امور از خود دارند و مدیریت این اضطراب یک روند مداوم است، بنابراین، در روابط خود با دیگران، محیط انسانی خود را امن می‌پندارند و این زمانی است که آنها احساس کنند در زیستگاه خود و در روابط خود با دیگران یک پیوستگی وجود دارد. از زمانی که روابطی که بازیگران بر آن پایبند هستند بی‌ثبات شود، امنیت هستی‌شناسی آنها تهدید می‌شود (Kinnvall & Mitzen, 2017, p. 3-2). این نظریه یک پیش‌شرطی برای کارگزاری<sup>۳</sup> و هویت شخصی است. گیدنز این هویت را به صورت «خود آن گونه که یک فرد بر حسب زندگی‌نامه خود به طور بازتابی درک می‌کند» تعریف می‌کند. این درک از «خود»<sup>۴</sup> روایتی است که تداوم وجود یک فرد به طور روزمره، ایجاد می‌کند که به امنیت هستی‌شناختی مرتبط می‌شود

<sup>1</sup> Jenifer Mitzen

<sup>2</sup> Anthony Gidens

<sup>3</sup> Agency

<sup>4</sup> Self

(Giddens, 1991, p. 52). از نظر لاین<sup>۱</sup> بهترین مشتق از این نظریه «وجود» است. این موجودیت «فرد» بود، او می‌خواست بداند چگونه ناامنی هستی‌شناختی منجر به ناتوانی فرد می‌شود. گیدنز مدعی بود که «گسترش محیط امن از زندگی روزمره، برای حفظ امنیت هستی‌شناسی مهم است که از طریق روال‌مندی در سطح فردی، به سطح دولتی انتقال می‌یابد و به دلیل اهمیت آن برای دولت‌ها، حتی در صورت به خطر افتادن امنیت فیزیکی آنها، امنیت هستی‌شناسی را برای خود حفظ کنند

(Stuart Croft & Vaughan, 2017, p. 6-3).

## ۲-۲. در سطح دولت

این نظریه، منازعات پایدار در روابط بین‌الملل را تحلیل می‌کند. منازعاتی که ممکن است منافع فیزیکی کشورها را به خطر بیندازد. اساس بحث این است که دولت‌ها و نه فقط افراد، به همان میزان که دغدغه تأمین امنیت فیزیکی خود را دارند، نگران «امنیت هویتی» خود نیز هستند (رستمی و غلامی حسن‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۴). چون هویت یک فرآیند در حال تغییر است، به همین دلیل دولت‌ها نیاز دارند در طول زمان دارای ذاتی پایدار باشند. این نیاز «امنیت هستی‌شناختی» است (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸). برنت جی استیل<sup>۲</sup> معتقد است که تحقق آن، حاکی از اعتماد به نفس دولت است، زیرا در درجه اول، اینکه چگونه یک دولت خود را می‌بیند و دوم اینکه دیگران او را چگونه می‌بینند، تأیید می‌شود. Stuart Croft & Vaughan, 2017, p. (6-3). از این نظر «امنیت هستی‌شناسی» از داشتن یک حس ثابت از «خود» به دست می‌آید که با تأیید دیگران همراه است و آنها را به عنوان «یک بازیگر واحد» در عرصه روابط بین‌الملل مطرح می‌کند. اگر دولت‌ها درک مشخصی از خود نداشته باشند، نمی‌توانند از موجودیت فیزیکی خود مراقبت کنند (Zarakol, 2017, p. 2). پیش فرض کلی این نظریه این است که بازیگران، ثبات را به تغییر ترجیح می‌دهند. بنابراین،

<sup>1</sup> Laing

<sup>2</sup> Brent j. steele

دولت‌ها متعهد می‌شوند که به الگوهای رفتاری مبتنی بر روال‌ها و هویت‌ها تأکید کنند. در ارتباط تفاوت آن با امنیت فیزیکی، می‌توان گفت از آنجایی که هویت فردی از طریق روابط با دیگران شکل می‌گیرد و حفظ می‌شود، دولت‌ها نیز ترجیح می‌دهند که رابطه مناقشه‌آمیزی را پیگیری کنند که امنیت فیزیکی آنها را تهدید کرده و ادامه رابطه متضاد دقیقاً یک حس اطمینان از خود و هویت خود را در برخورد با دیگران به آنها دهد (Browning & Joenniemi, 2017, p1-4).

از نظر جنیفر میتزن، این امنیت دارای ابعادی است که ارزیابی آن بدون شناخت عناصر آن، امکان‌پذیر نیست. این عناصر و ابعاد، در ذیل بررسی می‌شود.

### الف) هویت، کنش و عدم قطعیت

امنیت هستی‌شناختی امنیت جسم نیست، بلکه امنیت شخصیت است. یعنی احساس ذهنی یک فرد از اینکه کیست، کنش و انتخاب او را برمی‌انگیزد و ممکن می‌سازد. البته نیاز افراد به امنیت نفس به معنای تغییرناپذیری فهم از خود نیست، بلکه در حقیقت این تغییر، برای یادگیری و تکامل شخصی ضروری است. یعنی افراد برای احساس پیوستگی شخصی خود ارزش قائل‌اند، زیرا اساس قابلیت و صلاحیت آنان برای کارگزاری را تشکیل می‌دهد. یک الزام مهم برای خودفهمی باثبات و پایدار، توان استمرار کنش‌های یک فرد در طول زمان و حفظ آن است. از آنجا که هویت باعث کنش می‌شود، پس ثبات آن در طول زمان به این بستگی دارد که در عمل هم مورد تأیید قرار گیرد (میتزن، ۱۳۸۸، ص ۲۶۵).

### ب) روال‌های جاری و اعتماد و اطمینان اساسی

امنیت‌طلبی هستی‌شناختی، انگیزه و علتی برای کم کردن عدم اطمینان شدید از طریق تحمیل و اعمال نظم معرفتی و شناختی بر محیط است. بازیگران این هدف را با ایجاد یک «پایه شناختی مبتنی بر میزانی از آگاهی از حوادث ممکن که می‌تواند سلامت جسمی و روانی کارگزار را تهدید نماید» تأمین می‌کنند. از آنجا که این پایه بازیگران را



قادر می‌سازد تا اطمینان یابند که جهان شناختی‌شان باز تولید می‌گردد، میتزن به پیروی از گیدنز آن را نظام اعتماد و اطمینان اساسی<sup>۱</sup> می‌نامد (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۴؛ میتزن، ۱۳۸۸، ص ۲۶۷). همه کشورها نیاز به امنیت هستی‌شناختی را از طریق عادی کردن تعاملات اجتماعی خود تأمین می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۰).

### ج) تعلق و شناسایی

از آنجا که روال‌های جاری، هویت را حفظ می‌کنند، بازیگران با آن‌ها عجین می‌شوند. در واقع افراد مایل‌اند هویت کارگزاری داشته و با رویه‌هایی عجین باشند که به آن‌ها احساس کارگزار بودن می‌دهد. دست کشیدن از این عادت‌های جاری به قیمت فدا کردن این احساس کارگزاری است. نیاز به امنیت هستی‌شناختی و تعلق به عادت‌های جاری، آنقدر شدید است که شخص به ندرت شاهد ناامنی هستی‌شناختی در زندگی روزمره خود است. روال‌ها، به پاسخگویی قابل پیش‌بینی و انتظار دیگران بستگی دارد که البته افراد همیشه نمی‌توانند آن‌ها را کنترل نمایند. بازیگران خارجی و محیط‌های خصومت‌آمیز به تعیین چگونگی تلقی کنش‌های ارادی و عمدی فرد کمک می‌کنند. این امر حاکی از آن است که خود ادراکی که کنش عمدی را برمی‌انگیزد، همیشه نمی‌تواند تقویت و تحکیم گردد. در صورت وقوع این امر، یک فرد ممکن است یک نظام اطمینان و اعتماد اساسی را ایجاد نماید که از هویت و شخصیت کمتر مطلوب حمایت می‌کند. به سخن دیگر، امنیت هستی‌شناختی با کسب هویت‌های درجه دو یا سازش ارزش‌ها سازگاری دارد (میتزن، ۱۳۸۸، ص ۹-۲۶۸). در ادامه، سه عنصر بالا در روابط ایران و امریکا مصداق‌یابی شده و نشان داده می‌شود که چگونه در این مسیر، منازعه برای هر دو طرف مطلوبیت می‌یابد.

<sup>1</sup> Basic trust system

### ۳. لحظه‌های تنش‌زدایی و گریز از عدم قطعیت هویتی

در روابط ایران و آمریکا به ویژه بعد از سال ۲۰۰۳، برهه‌هایی وجود داشته که منافع واقع‌گرایانه آنها را در کنار هم قرار داده و زمینه‌های تنش‌زدایی میان طرفین را فراهم کرده است. این امر می‌توانست منجر به برقراری روابط دوجانبه و تقویت امنیت فیزیکی آنها شود. اما ترس از عدم اطمینان هویتی تهران و واشنگتن را از هم جدا کرده و به شرایط قبل بازگردانده است. در ادامه، دو مورد از مهم‌ترین این برهه‌ها و شکست آنها در تنش‌زدایی بررسی می‌شود:

#### الف) ایران، آمریکا و مسأله عراق

در ارتباط با دلایل تهاجم نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، می‌توان به پیگیری سیاست دستیابی صدام به سلاح هسته‌ای، پیشینه صدام در کاربرد تسلیحات کشتار جمعی، سرکوب مخالفان در داخل و جنگ‌افروزی در منطقه (عرشیان، ۱۳۸۸، ص ۵۱)، به‌کارگیری حربه حقوق بشر که از این دیدگاه، تهاجم به عراق همانند افغانستان مداخله بشردوستانه بود (جوادی ارجمند و طلوعی، ۱۳۹۳، ص ۸)، اشاره کرد. از جمله چالش‌های آمریکا در عراق، به قدرت رسیدن شیعیان در عراق بود (خواجه سروری و رحمانی، ۱۳۹۱، ص ۴۴) که در این شرایط گذشته از مشکلات آمریکا در عراق و تحول در ساختار قدرت و سیاست عراق، فرصت‌های جدیدی برای سیاست خارجی ایران در این کشور و مناسباتش با آمریکا فراهم شد که از جمله آنها می‌توان علاوه بر خارج شدن عراق از طیف کشورهای دشمن ایران، به زمینه‌های همکاری ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله اوپک، سازمان کنفرانس اسلامی و... اشاره کرد (مکرمی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۸). ایران در مقایسه با آمریکا از شناخت بیشتری نسبت به واقعیت‌های ژئوپلیتیکی درون عراق برخوردار بود (اسدی، ۱۳۹۳، ص ۱۸). به‌رغم رقابت‌های راهبردی طرفین در عراق، چالش‌های ژئوپلیتیک درون عراق و محیط منطقه‌ای آن، تهران و واشنگتن را وادار ساخت تا با تعدیل سطح رقابت‌های خود و با نگاهی واقع‌نگرانه در این عرصه عمل کنند. بر این اساس، دو کشور در پیش

گرفتن سطحی از همکاری ولو به صورت غیرمستقیم را مورد توجه قرار دادند. تأکیدات طرفین بر حفظ تمامیت ارضی عراق و یکپارچگی سیاسی این کشور و مخالفت با رویکردهای واگرایانه و معطوف به تجزیه عراق، از جمله منافع مشترک دو طرف بود (اسدی، ۱۳۹۳، ص ۲۰-۲۳). بر این اساس، سه دور نشست میان ایران و امریکا در مورد عراق در ۷ خرداد و ۲ و ۱۵ مرداد ۱۳۸۶، به منظور بررسی خشونت‌ها در عراق، تشکیل کمیته امنیتی سه جانبه و تعیین چهارچوب و دستور کار کمیته امنیتی و شیوه انتخاب نمایندگان در کمیته، برگزار شد (باقری دولت‌آبادی و شفیعی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۹). اما این مذاکرات به همین موضوع محدود شد و به سایر حوزه‌ها در روابط ایران و امریکا تسری نیافت.

### ب) ایران، امریکا و مسأله هسته‌ای

هرچند ایران در ابتدا برای رفع نگرانی‌های جامعه بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای خود، فقط با سه کشور اروپایی مذاکره می‌کرد، اما به مرور زمان، کشورهای جدیدی از جمله امریکا به مذاکرات پیوستند. در اواسط سال ۲۰۱۲، تغییرات محسوسی در جایگاه امریکا در مذاکرات چندجانبه هسته‌ای اتفاق افتاد که ناشی از رویکردهای اوپاما بود. این تغییر رویکرد موجب شد تا مذاکرات محرمانه‌ای میان ایران و امریکا در عمان آغاز گردد. در خصوص سیاست جدید تعامل با ایران، اوپاما گفت: «دولت من متعهد به دیپلماسی است که طیف وسیعی از مسائل را پیش روی ما می‌گذارد و همین‌طور برای پیگیری روابط سازنده میان امریکا، ایران و جامعه بین‌المللی، این پروسه با تهدید به جلو پیش نمی‌رود. ما در عوض به دنبال تعاملی هستیم که صادقانه و مبتنی بر احترام دوجانبه باشد» (انتصار و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۵۱). احمدی‌نژاد هم در این خصوص اظهار داشت: «قطعاً ایران از هر رویکرد قانون‌مند، عادلانه و مبتنی بر احترام متقابل در جهت گفت‌وگو و رفع مسائل استقبال می‌کند» (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴). بنابراین، با پیام‌های مثبت دوجانبه از سمت ایران و امریکا، مسیر مذاکره میان این دو کشور پیرامون موضوع هسته‌ای باز شد.

به طور مشخص، در مذاکرات استانبول در فروردین سال ۱۳۹۱، وندی شرمن<sup>۱</sup> (نماینده آمریکا)، پیامی خطاب به طرف ایرانی داد که حائز این نکته است که آمریکا از حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در چارچوب ان‌پی‌تی<sup>۲</sup> حمایت می‌کند (مطلبی، ۱۳۹۴، ص ۹۷). همچنین طی سفر هیأت ایرانی و امریکایی در مارس سال ۲۰۱۳ به عمان، آمریکا با غنی‌سازی جزئی در ایران موافقت کرد (انتصار و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۵۸). در این دیدار، راه‌های پیشرفت مذاکرات دوجانبه برای حل موضوع هسته‌ای بررسی شد. مقدمات این گفت‌وگوها که در دولت دهم شکل گرفته بود (دریایی، ۱۳۹۴، ص ۱۲)، در دولت یازدهم سرعت گرفت.

هرچند در این برهه، مذاکرات ایران با آمریکا در قالب ۱+۵، نتیجه محسوسی در حل بحران هسته‌ای و بهبود روابط طرفین ایجاد نکرد، اما نشان داد که صرف انجام مذاکره رودررو می‌تواند عاملی برای شکست ذهنیت منفی طرفین در قبال هم و تغییر نگاه به «دیگری»<sup>۳</sup> باشد. این وضعیت با روی کارآمدن روحانی و بیان این نکته که: «ایران به دنبال تعامل سازنده براساس احترام متقابل و منافع مشترک با دیگر کشورهاست و در این چارچوب در پی افزایش تنش با ایالات متحده آمریکا نیست» (سلطانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۸)، دچار جهشی اساسی شد. وی در جایی دیگر اشاره کرد: «یکی از مجال‌هایی که برای امریکایی‌ها موجود است، در صحنه ۱+۵ است. اگر آنها قصد دارند در خصوص پرونده هسته‌ای سخن بگویند، مذاکرات فرصت مناسبی است (باقری دولت‌آبادی و شفیعی، ۱۳۹۳، ص ۳۳۹). به دنبال این مواضع ایران، شرایط سیاسی در آمریکا به سوی حمایت از «تعامل محتاطانه» مورد نظر اوپاما تغییر یافت. اوپاما در سپتامبر سال ۲۰۱۳ بیان داشت: «هر دوی ما درباره تلاش‌هایمان برای دستیابی به توافق بر سر برنامه هسته‌ای ایران گفت‌وگو کردیم... حسن روحانی خاطر نشان کرد ایران هرگز به توسعه تسلیحات هسته‌ای نخواهد پرداخت. من معتقدم که با

<sup>۱</sup> Wendy Sherman

<sup>۲</sup> (NPT) پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای

<sup>۳</sup> other

حل مسئله برنامه هسته‌ای ایران براساس منافع و احترام متقابل، گامی بزرگ در جهت ایجاد یک ارتباط متفاوت برداشته خواهد شد...» (غیور و جعفری، ۱۳۹۵، ص ۱۴-۲۱). این مذاکرات و علنی کردن آن از سوی هر دو طرف، مویذ آن بود که اراده‌ی قوی در هر دو طرف برای مذاکره مستقیم وجود دارد. به گونه‌ای که به روند دستیابی به توافق هسته‌ای موسوم به برجام کمک وافری کرد. بر این اساس، طرفین می‌توانند رفتارهای مبتنی بر تعاملات دوجانبه را گسترش داده و به صورت یک روال و عادت جاری درآورده و تعارضات هویتی خود را کاهش دهند. اما این فرصت نیز به تنش‌زدایی منجر نشد و علی‌رغم توافقات چندجانبه و دوجانبه، دو کشور به سرعت به مواضع قبلی برگشته و بر دشمنی با همدیگر تأکید ورزیدند. در مجموع به نظر می‌رسد طرفین قطعیت دشمنی دوجانبه را به عدم قطعیت و احتمال تنش‌زدایی ترجیح داده‌اند و بر امنیت هستی‌شناختی خود مبتنی بر منازعه پای می‌فشارند.

#### ۴. روال‌های جاری و هویت‌یابی دوجانبه

همان‌طور که در چارچوب نظری گفته شد، امنیت‌طلبی هستی‌شناختی انگیزه و علتی برای کم کردن عدم اطمینان شدید از طریق تحمیل و اعمال نظم معرفتی و شناختی بر محیط است. از آنجایی که سیاست خارجی کشورها به نوعی تحت تأثیر سیاست هویتی آنهاست، الکساندر ونت اشاره می‌کند که یک بازیگر (دولت) می‌تواند هویت‌های مختلفی به خود بگیرد و در واقع هویت شناوری داشته باشد. هویت نقش بسیار مهمی در سیاست خارجی بازی می‌کند، چرا که هویت پایه و اساس منافع است. ایران و امریکا نیز در روابط دوجانبه خود از این قاعده مستثنی نبوده‌اند. از این رو، هر دو طرف تلاش کرده‌اند با کنش‌های کلامی و عملی خود به طرف مقابل هویت‌هایی را القاء کنند که تقویت‌کننده هویت خود و در نتیجه، امنیت هستی‌شناختی خود باشد. در ادامه به طور مجزا رویه ایران و امریکا در این زمینه بررسی می‌شود.

#### ۴-۱. هویت‌های ایران در روابط دوجانبه با آمریکا

سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، ماهیتی هویتی دارد و با توجه به ارزش‌های هنجاری این کشور، این رویکرد رنگ و بوی ایدئولوژیک گرفته است؛ به طوری که آمریکا به عنوان تجلی‌گاه لیبرالیسم، ایران را دگر هویتی خود تعریف کرده است که امکان تعامل را دشوار می‌سازد (افضلی و موسوی، ۱۳۹۵، ص ۸-۱۲). بر این اساس، آمریکا در روابط فی‌مابین خود با ایران، هویت‌هایی را برای این کشور مطرح کرده است که در ذیل به آن می‌پردازیم.

#### الف) دولت حامی تروریسم

به دنبال حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، نگرش آمریکا نسبت به تروریسم و کشورهای حامی آن تغییر کرد. بازتاب این موضوع، گسترش دیدگاه‌های اسلام‌ستیزانه و افزایش فشار به دولت‌های اسلامی به ویژه ایران بود (درویشی و حاتم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۳). به دنبال این حادثه تروریستی، جرج بوش، رئیس جمهور وقت آمریکا گفت: «...تهدید فراروی ایالات متحده فراتر از گروه‌های تروریستی است و آن دولت‌های یاغی همچون ایران... است که پیگیر دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی بوده‌اند... این رژیم‌ها با جست‌وجوی سلاح‌های کشتار جمعی یک خطر جدی و رو به رشد را مطرح می‌کنند. آن‌ها می‌توانند این تسلیحات را برای تروریست‌ها فراهم آورند و به آنان ابزاری سازگار با تنفرشان بدهند. آن‌ها می‌توانند به متحدین ما حمله کنند و از آمریکا باج‌گیری کنند...» (جانسیز، ۱۳۹۱، ص ۱۶). بوش در سخنان خود در ۲۴ فوریه سال ۲۰۰۶ اعلام نمود: «به یک جامعه غیرشفاف [ایران] که اصلی‌ترین دولت حامی ترور است، نمی‌توان اجازه داد خطرناک‌ترین سلاح جهان را در اختیار داشته باشد» (قهرمان‌پور، ۱۳۸۷، ص ۷). وزارت امور خارجه آمریکا در آخرین گزارش خود در سال ۲۰۱۴ درباره ادعای حمایت ایران از تروریسم، عنوان نمود که این کشور فعالیت‌های تروریستی‌اش را در سال ۲۰۱۴ نیز ادامه داد. این فعالیت‌ها عبارت‌اند از: «حمایت از

گروه‌های فلسطینی در غزه، حزب‌الله و گروه‌های مختلفی در عراق و سراسر خاورمیانه (طالعی حور و امیدی، ۱۳۹۵، ص ۱۲).

طبق دیدگاه واشنگتن، این دولت ایران است که با حمایت از تروریسم باعث انجام اعمال خشونت‌آمیز توسط گروه‌های تروریستی می‌شود. براین اساس، طبق سند استراتژی امریکا، هدف این کشور از بین بردن ریشه‌های اقدامات تروریستی و دولت‌های حامی تروریسم [ایران] و ایجاد امنیت در منطقه و سطح جهان می‌باشد.

### ب) دولت خواهان تسلیحات کشتار جمعی

به دنبال اعلام تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای توسط ایران، جورج بوش، اظهار داشت: «اگر ایرانی‌ها سلاح هسته‌ای داشته باشند، می‌توانند جهان را مرعوب کنند» (احمدیان و احمدی، ۱۳۹۳، ص ۱۷). جورج بوش در ۱۸ ژوئن سال ۲۰۰۳ در این رابطه اظهار داشت: «جامعه بین‌المللی باید با هم متحد شوند و این موضوع را برای ایران روشن نمایند که ما تولید سلاح کشتار جمعی توسط ایران را تحمل نخواهیم کرد» (حسینی متین، ۱۳۹۱، ص ۲۷۴). جان بولتون، سفیر وقت امریکا در سازمان ملل در ۱۳ اردیبهشت سال ۱۳۸۵ بیان نمود: «چنانچه ایران از پیگیری تسلیحات هسته‌ای دست بکشد، چیزهای زیادی ممکن خواهد شد، اما چنانچه به زورگویی، تهدید، غامض کردن مسئله و پرتاپ شن در چشمان ما ادامه دهد، ما نیز به تبع آن شرایط متفاوتی را مورد ملاحظه قرار خواهیم داد...». پس از آن، بوش در دیدار با صدراعظم آلمان اعلام کرد: «ایرانی‌ها باید بفهمند که ما کوتاه نمی‌آییم، شراکت ما قوی و برای صلح جهانی است. آن‌ها باید جاه‌طلبی‌های هسته‌ای خود را ترک کنند» (گلشن پژوه، ۱۳۸۴، ص ۴-۷۱). همچنین وزیر امور خارجه امریکا در ۳۱ مه سال ۲۰۰۶ مدعی شد: «جامعه بین‌المللی با شفافیت اعلام داشته که ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد. منافع حیاتی ایالات متحده و دوستان و متحدان آن در منطقه و تمام اعضای جامعه بین‌المللی در مخاطره است و ایالات متحده برای حفظ این منافع مشترک، اقدامات مقتضی را به عمل خواهد آورد» (غریب‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۸). به دنبال حوادث یازده سپتامبر و

مطرح شدن خطر گروه‌های تروریستی و در پی آن با افشای فعالیت‌های هسته‌ای ایران، آمریکا خطر عملکردهای منفی ایران را گوشزد نمود. پیرو این امر، واشنگتن یکی از مدافعان اصلی برخورد با ایران به عنوان دولت اشاعه دهنده هسته‌ای بوده است.

### ج) دولت مداخله‌گر در امور همسایگان

از دیدگاه واشنگتن، ایران کشوری است که با ایدئولوژی اسلامی، در وقایع منطقه خاورمیانه دخالت می‌کند. بوش در آگوست سال ۲۰۰۶ (در پی جنگ ۳۳ روزه لبنان و اسرائیل) اظهار داشت: «خشونت موجود در لبنان، نیات تهران در عرصه جهانی را آشکار می‌سازد ... ایران با حمایت از شورشیان عراق به بی‌ثباتی این کشور کمک و حقوق بنیادین میلیون‌ها نفر از مردم خویش را نقض می‌کند ... اگر پیش از توانایی عراق به دفاع از خود، آمریکا از آنجا خارج شود، عواقب مطلقاً ویرانگری حاصل می‌شود. عراق در دست «بدترین دشمنان» آمریکا یعنی هواداران رژیم صدام و یا گروه‌های مرتبط با ایران می‌افتد ...» (قنبرلو، ۱۳۸۷، ص ۱۵). کاندولیزا رایس<sup>۱</sup> نیز در ۲۳ نوامبر سال ۲۰۱۲ اظهار داشت: «... سوریه مرکزی برای با هم بودن در خاورمیانه است و در حال حاضر ایران گسترش نفوذ خود را در بین شیعیان مدنظر قرار داده و درصدد است با ارسال سلاح و متحد کردن آن‌ها تحت حکومت مذهبی تهران، یکپارچگی بحرین، عربستان، عراق، لبنان و افغانستان را به نابودی بکشاند و حکومتی مطابق با موازین و اصول انقلابی خود در آن‌ها ایجاد کند ...» (قادری کنگاوری، ۱۳۹۲، ص ۴۶). ژنرال دیوید پترائوس<sup>۲</sup>، (فرمانده سابق نظامی ایالات متحده در عراق) اظهار داشت: «ایران در پی ایجاد ساختارهایی مشابه حزب‌الله در جنوب عراق است تا به صورت نایب ایران عمل کند. حمایت ایران از گروه‌های شیعه در عراق، به تلاش‌های آمریکا برای ایجاد ثبات در عراق آسیب می‌زند» (قنبرلو، ۱۳۸۷، ص ۱۶). بنابراین، از نظر آمریکا، دولت‌مردان ایرانی در پی افزایش نفوذ و نقش‌آفرینی در بحران‌ها و تحولات منطقه‌ای هستند و تلاش می‌

<sup>۱</sup> Condoleezza Race

<sup>۲</sup> David Petraeus



کنند با کمک پول و سلاح، گروه‌های معارض را با منافع و اهداف خود در سطح منطقه همسو کنند.

#### ۴-۲. هویت‌های امریکا در روابط دوجانبه با ایران

ایران کشوری است که با توجه به اصول و مبانی هویتی خود، نقش‌های یکسان و هویت ثابتی برای خود قائل می‌باشد. مقامات ایرانی براساس همین رویکرد، امریکا را به عنوان «دیگری» می‌شناسند که اصول و ارزش‌های آن در تعارض با مبانی هویتی ایران است. در نگاه ایرانیان، امریکا به عنوان دشمن اصلی نظام اسلامی ایران مطرح است؛ بنابراین، مقابله با این دشمن از اصول اساسی سیاست خارجی ایران است. در ذیل تلاش می‌شود به برخی از مهم‌ترین هویت‌هایی که ایران، امریکا را با آن مورد شناسایی قرار می‌دهد، اشاره شود.

#### الف) دولت استکباری

رهبر ایران در خصوص ماهیت استکباری دولت امریکا، اظهار داشته است که: «معنای نظام سلطه آن است که کشورها، ملت‌ها و دولت‌ها یا باید سلطه‌گر باشند، یا سلطه‌پذیر»<sup>۱</sup>. ایشان همچنین بیان کرد: «نظام سلطه، یعنی اینکه کسی در دنیا به اتکای سرنیزه و زور، قلدری کند و شرم نکند و دیگران قلدری او را تحمل کنند»<sup>۲</sup>. ایشان در دیدار با رئیس‌جمهور زیمباوه گفت: «در جهان، سیاست مورد قبول و تمایل قدرت‌های بزرگ (امریکا)، سیاست نظام سلطه است، یعنی تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌کش»<sup>۳</sup>. رهبر ایران در خصوص ماهیت دولت استکباری امریکا گفت: «امروز مظهر نظام سلطه امریکاست. هر سیئه‌ای که در دنیا براساس نظام سلطه به وجود آید، حتماً بخشی از گناه آن بر گردن امریکاست (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴، ص ۷). بر این اساس،

<sup>۱</sup>. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۷۴/۸/۱۰.

<sup>۲</sup>. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون و مسئولان و گروهی از اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۱۰/۶.

<sup>۳</sup>. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با «رابرت موگابه» رئیس‌جمهور زیمباوه ۱۳۷۸/۲/۱۸.

ایشان تحریم‌های آمریکا را نشانه کینه‌ورزی آمریکا دانست و اظهار داشت: «همه این را بدانند که این تحریم‌هایی که علیه ملت ایران بکار برده شد، عمدتاً ناشی از کینه‌ورزی استکباری آمریکا است...»<sup>۱</sup>. به این ترتیب، اظهارات رهبران ایران نشانگر این است که دولت آمریکا نگرشی استکباری به جامعه بین‌المللی، علی‌الخصوص جهان سوم دارد که با سلطه‌گری در پی تثبیت هژمونی خود است.

### ب) دولت بدعهد

رهبر ایران از جمله تجربیات مهم مذاکرات هسته‌ای را شناخت هرچه بیشتر بدعهدی آمریکا می‌دانند: «البته در زمینه‌ی ادامه مذاکرات هسته‌ای، منع نمی‌کنیم... اما این، یک تجربه‌ی ذی‌قیمت دیگر برای همه بود که متوجه شویم نشست و برخاست، حرف زدن با امریکایی‌ها، مطلقاً تأثیری در کم کردن دشمنی آن‌ها ندارد و بدون فایده است»<sup>۲</sup> (مطلبی، ۱۳۹۴، ص ۴۳۰-۴۱۳). ایشان در خصوص بدعهدی امریکایی‌ها، در جایی دیگری اظهار می‌کند: «اکنون دیگر این من نیستیم که می‌گوییم آن‌ها بدعهد هستند، بلکه مسئولان کشور و حتی خود مذاکره‌کنندگان نیز سخن از بدعهدی آمریکا می‌گویند» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۹۵/۸/۱۲)<sup>۳</sup>. از منظر اصول‌گرایان در خصوص پرونده هسته‌ای، تجربیات تاریخی ایران، نشان از غیرقابل اعتماد بودن آمریکا دارد. احمدی‌نژاد در این خصوص معتقد است: «می‌دانید در فرآیند انرژی هسته‌ای چرا به بیگانگان بی‌اعتمادی وجود دارد؟ ... ما تا امروز چند قرارداد تولید سوخت هسته‌ای با غربی‌ها داشتیم که همه بی‌نتیجه ماند و آن‌ها تعهداتشان را نقض کردند... با آمریکا... پایین‌تر از انرژی هسته‌ای حتی به تعهداتشان در قراردادهای مربوط به خرید قطعات هواپیماهای مسافربری عمل نکردند...» (دهقانی فیروزآبادی و

۱. دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصلی تهران با مقام معظم رهبری ۱۳۹۱/۸/۲۹.

۲. دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب ۱۳۹۳/۵/۲۲.

۳. دیدار هزاران نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان با رهبر انقلاب ۱۳۹۵/۸/۱۲.

نوری، ۱۳۹۰، ص ۲۵). بنابراین نویسندگان معتقدند که مقامات ایرانی یکی از هویت‌های امریکا را در روابط دوجانبه با ایران، بدعهدی این کشور می‌دانند که پایبندی به پیمان‌های بین‌المللی ندارد. در خصوص پرونده هسته‌ای ایران نیز مشخص شد که امریکا به تعهدات خود در قبال ایران عمل نکرده است.

### ج) دولت ضد نظام جمهوری اسلامی ایران

از دیدگاه رهبر ایران، هدف اصلی امریکا مقابله با نظام جمهوری اسلامی و تغییر حکومت در ایران است. بر این اساس، امریکا دولتی است که مورد اعتماد ایران نیست و این کشور با هویت سلطه‌گری خود هرگونه امکان همکاری برای حل مسائل دوجانبه را از بین برده است. ایشان در این باره می‌فرماید: «فارغ از اینکه کدام مکتب فکری و حزب در قدرت و کدام فرد رئیس جمهور امریکا است، ایالات متحده، درصدد از بین بردن جمهوری اسلامی با تمام امکاناتش است» (موسویان، ۱۳۹۴، ص ۲۷۵). نویسندگان بر این باورند که نگرش هویتی ایران و امریکا نسبت به یکدیگر، باعث شده است تا هر یک، طرف مقابل را به عنوان «دیگری» و دشمنی ببیند که دارای تعارضات پایه‌ای با آن بوده و این امر، منجر به کنش منفی این دو کشور در قبال هم شده و هرگونه تعامل و همکاری با یکدیگر را دشوار نموده است. به عبارت دیگر، روال جاری دو کشور در رابطه با همدیگر، مؤید هویت‌های برساخته‌ای است که در عین حال، امنیت هستی‌شناختی آنها را تشکیل می‌دهد.

### ۵. احساس کارگزاری و پرهیز از ناامنی هستی‌شناختی

همان‌طور که در بحث نظری (تعلق و شناسایی) ذکر شد، کشورها بعد از هویت‌یابی خود و هویت‌بخشی به دیگری، تلاش می‌کنند تا رویه‌هایی را در پیش گیرند که با این هویت‌ها سازگار بوده، به آنها احساس کارگزاری داده و آنها را از ناامنی هستی‌شناختی رها کند. این وضعیت، به عین در روابط ایران و امریکا قابل مشاهده است. هرچند طرفین منافع مشترکی به ویژه در مناطق پیرامونی ایران در مبارزه با

تروریسم دارند (در این مورد نک: قریشی، ۱۳۹۳؛ اسدی، ۱۳۹۳)، اما در عین حال با ایفای نقش به عنوان دشمن همدیگر، نقش مهمی در رهایی از ناامنی هستی‌شناختی خود دارند. در واقع آنچه در آمریکا پس از جنگ سرد اتفاق افتاد، یک بحران هویتی بود که آمریکا را از نبود دشمن آزار می‌داد. بنابراین، هویت به عنصری مهم و تعیین کننده تبدیل شد (آصفی، ۱۳۸۵، ص ۳۰). تنها دستاویز آمریکا برای دشمن تراشی، حوادث پس از یازده سپتامبر و افراط‌گرایی در خاورمیانه بود. تنها دولت متضرر از این سیاست جدید آمریکا، ایران بود که سر همراهی با مواضع مورد قبول واشنگتن نداشت. این در حالی بود که به دنبال ایفای نقش فعال و سازنده ایران در جریان بحران افغانستان، مقامات ایرانی انتظار داشتند که رفتار آمریکا در خصوص ایران تغییر کرده و همکاری‌ها بهبود یابد. اما در ادامه نه تنها خواسته‌ها و تلاش‌های ایران عقیم ماند، بلکه دور جدیدی از رویارویی تهران و واشنگتن آغاز شد.

به عبارت دیگر، توفیق ایران در همکاری با آمریکا، سبب شد که ایران به‌عنوان مرجع تهدیدکننده معرفی نگردد. اما استمرار این وضعیت با وقوع حوادثی به مخاطره افتاد که در نتیجه آن، ایران به‌مثابه تهدید، برساخته شد. حادثه اول، آن بود که در ۳ ژانویه سال ۲۰۰۲، اسرائیل مدعی شد یک کشتی حامل ۵۰ تن سلاح ایرانی که قرار بود به حکومت خودگردان فلسطین تحویل داده شود را در دریای سرخ توقیف کرده است. رژیم صهیونیستی به منظور اثبات ادعای خود به مخابره‌ی تصاویری از این سلاح‌ها پرداخت که با خط فارسی بر روی آن‌ها مطالبی نوشته شده بود. مقامات امریکایی نیز اسناد و مدارک اسرائیلی‌ها را مبنی بر اینکه این کشتی توسط ایران ارسال شده است، متقاعدکننده یافتند (قریشی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۳). وزیر امور خارجه آمریکا در واکنشی رسمی اظهار داشت که «از مجموعه اطلاعات موجود چنین برداشت می‌شود که تشکیلات خودگردان در این امر دخالت داشته است. نیروهای حاضر در کشتی نیز متعلق به تشکیلات فلسطینی بوده‌اند و این سند بزرگی بر اثبات آن است». برداشت مقامات امریکایی از این اقدام ایران، این بود که این کشور اگرچه در جنگ با افغانستان به آمریکا و جامعه بین‌المللی کمک کرده است، اما

ظاهراً تمایل ندارد از فعالیت‌های خود در فلسطین و لبنان دست بردارد (حسینی متین، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰). همچنین به دنبال افشای فعالیت‌های هسته‌ای ایران، سازمان‌های اطلاعاتی امریکا، اذعان کردند که ایران مشغول بکارگیری فعالیت‌های هسته‌ای غیرصلح‌آمیز است. این اظهارنظرها بر شدت دشمنی طرفین افزود. مسئله تنش‌زای دیگر، ادعای کمک ایران و یا عدم اقدام ایران در جلوگیری از عبور عناصر فراری القاعده و طالبان از خاک ایران به دیگر کشورها بود که فضای خصومت‌آمیز را تشدید کرد.

سه هفته پس از واقعه کشتی کارین A، جورج بوش، در ۲۹ ژانویه سال ۲۰۰۲، ایران را «محور شرارت» نامید و گفت: «...ایران فعالانه در پی سلاح کشتار جمعی است و ترور را صادر می‌کند، درحالی‌که اقلیت غیرمنتخب، امید مردم را برای آزادی سرکوب می‌کند...». کاندولیزا رایس، پس از طرح اتهامات در افغانستان علیه ایران، اظهار داشت: «حمایت مستقیم ایران از تروریسم و تلاش‌های فعالانه برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، هرگونه مقاصد خوب ایران را که در روزهای پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر از خود نشان داد، در تاریخ به عنوان دروغ ثبت خواهد کرد» (حسینی متین، ۱۳۹۱، ص ۱۸۲-۱۵۲). معاون وزیر خارجه امریکا در امور رسانه‌ای، عملیات تبلیغاتی امریکا علیه ایران بعد از جنگ افغانستان و عراق را این‌گونه تشریح می‌کند: «امریکا برای جلوگیری از حس تنفر از امریکا در جهان، نیروی واکنش سریعی تشکیل می‌دهد و از آنجا که مرکز اصلی این تنفر بدون تردید ایران است، از این‌رو برنامه‌ای نرم علیه ایران متمرکز شده است...» (اسلام یاری شگفتی و عسکری، ۱۳۸۹، ص ۱۳). ایران به موازات مخالفت خود با جنگ امریکا علیه عراق، تلاش نمود تا جایگاه خود را در عراق تقویت نماید تا در کشمکش آتی بر سر کسب قدرت در عراق بعد از صدام، در موقعیت مناسبی قرار داشته باشد. ایران سرمایه‌گذاری عمده‌ای بر روی معارضین عراقی به خصوص گروه‌های شیعه نموده و برای معارضین شیعه در خاک خود مأمونی فراهم کرده بود، آن‌ها را آموزش نظامی داده، سازماندهی کرده و تسلیح نمود. بدین ترتیب، ایران و امریکا در تقابل با همدیگر ایفای نقش کرده و در چارچوب آن همزمان به احساس کارگزاری دست زدند.

در مجموع، هرچند برخی پدیده‌های بین‌المللی از جمله حادثه یازده سپتامبر باعث همسویی منافع استراتژیک ایران و ایالات متحده شده است، اما اشتراک منافع آن‌ها تا جایی یارای همراهی با یکدیگر را دارد که به امنیت هستی‌شناختی آن‌ها لطمه‌ای وارد نکند. بر این اساس، تا زمانی که واشنگتن و تهران دیدگاه مشترکی در خصوص مبارزه با تروریسم داشتند، به همکاری با یکدیگر می‌پرداختند، اما به دلیل تعارضات مبنایی، به محض در خطر افتادن امنیت هستی‌شناختی آن‌ها، تمایل طرفین برای همکاری حالت سلبی به خود گرفته و هر یک از طرفین دیگری را به برهم زدن نظم منطقه‌ای متهم کرده است.

## ۶. نتیجه‌گیری

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، روابط ایران و آمریکا دچار تنش شد. بر این اساس، هر یک از دو کشور سیاست‌هایی را در عرصه نظام بین‌الملل در پیش گرفتند که در تقابل با منافع دیگری محسوب می‌شد. با گذشت چند دهه از وقوع انقلاب در ایران و افزوده شدن مسائل جدیدی به تنش‌های موجود میان تهران و واشنگتن، می‌توان ادعا نمود که این منازعه که نشأت گرفته از تعارضات مبنایی است تبدیل به یک روال عادی و هویت‌بخش شده است. در برهه‌های محدودی مانند مذاکرات ایران و آمریکا در مورد وضعیت عراق یا مذاکرات آنها در مورد برنامه هسته‌ای ایران، گمان می‌رفت که روند تنش‌زدایی بین این دو کشور شروع می‌شود، اما در هر دو مورد شکست خورد. این وضعیت را می‌توان با رجوع به نظریه امنیت هستی‌شناختی توضیح داد. طبق این دیدگاه، گاهی ممکن است عامل عادی هویت‌بخش یک مسأله استثنایی و ضد امنیت فیزیکی مانند منازعه باشد. در این مقاله، در سه گام (لحظه‌های تنش‌زدایی و گریز از عدم قطعیت هویتی، روال‌های جاری و هویت‌یابی دو جانبه، احساس کارگزاری و پرهیز از ناامنی هستی‌شناختی) نشان داده شد که چگونه ایران و آمریکا با تداوم منازعه خود سعی در حفظ امنیت هستی‌شناختی خود داشته‌اند.

## منابع

۱. آصفی، حمیدرضا (۱۳۸۵). امنیتی کردن جهان. همشهری دیپلماتیک، (۷): ۳۶-۳۱.
۲. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۴). کالبدشناسی مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱. پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۸(۳۰): ۹۴-۳۰.
۳. احمدیان، قدرت؛ احمدی، سعیده (۱۳۹۳). مناقشه هسته‌ای ایران: لیبرالیسم نهادگرا در مقابل نئورئالیسم. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۹(۳): ۷۳-۳۷.
۴. استیل، برنت جی (۱۳۹۲). امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل. ترجمه جلال دهقانی فیروزآبادی، فرزاد رستمی و محمدعلی قاسمی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. اسدی، علی اکبر (۱۳۹۳). ایران و آمریکا در عراق: تنوع کنش‌ها. روابط خارجی، ۶(۴): ۱۵۵-۱۲۷.
۶. اسلام یاری شگفتی، محمد؛ عسکری، سید احمد (۱۳۸۹). جنگ نرم آمریکا در حوادث پس از یازده سپتامبر با تأکید بر جنگ افغانستان، عراق و تنش با ایران. عملیات روانی، ۱۹(۲): ۲۰۷-۱۹۰.
۷. افضل‌ی، توحید؛ موسوی، سید محمدعلی (۱۳۹۵). تحلیل سازه‌نگارانه مبانی هویتی سیاست خارجی آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران. علوم سیاسی، ۱۹(۷۵): ۱۷۲-۱۵۱.
۸. انتصار، ناصر؛ افراسیابی، کاوه (۱۳۹۵). ماراتن مذاکرات هسته‌ای (از سعدآباد تا لوکزامبورگ). ترجمه سعید جعفری، روح‌الله فقیهی. تهران: قومس.
۹. باقری دولت‌آبادی، علی؛ شفیع، محسن (۱۳۹۳). از هاشمی تا روحانی (بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازه‌نگاری). تهران: تیسرا.
۱۰. برزگر، کیهان (۱۳۸۹). برنامه هسته‌ای و امکان گفت‌وگوی استراتژیک میان ایران و آمریکا. آفاق امنیت، ۳(۶): ۳۰-۵۰.
۱۱. جانسیز، احمد (۱۳۹۱). هویت‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا و تأثیرات آن بر برنامه هسته‌ای ایران (۱-۲۰۰۸). سیاست جهانی، ۱(۲): ۱۹۷-۲۳۲.
۱۲. جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ طلوعی، هادی (۱۳۹۳). تهاجم نظامی آمریکا به عراق بر قدرت هوشمند ایران در این کشور. سیاست، حقوق و علوم سیاسی، ۴(۴): ۷۹۲-۷۷۷.
۱۳. حسینی متین، سیدمهدی (۱۳۹۱). رویارویی آمریکا با ایران پس از جنگ سرد. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۴. خواجه سروی، غلامرضا؛ رحمانی، مریم (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در عراق. پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ۱(۳): ۲۹-۵۸.
۱۵. درویشی، فرهاد؛ حاتم‌زاده، عزیزالله (۱۳۹۱). روند مواجهه آمریکا و اتحادیه اروپا با تروریسم از ادراکات متفاوت تا همکاری‌های مشترک. ژئوپلیتیک، ۹(۲): ۱۶۰-۱۳۶.
۱۶. دریایی، محمدحسن (۱۳۹۴). مجموعه اسناد مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای ۵+۱. تهران: وزارت امور خارجه.

۱۷. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸). امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *روابط خارجی*، (۱): ۷۶-۴۱.
۱۸. دهقانی فیروزآبادی، جلال؛ عطائی، مهدی (۱۳۹۴). تحلیل گفتمانی سیاست هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد از هژمونی تا افول. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۴(۱): ۵۸-۲۲.
۱۹. دهقانی فیروزآبادی، جلال؛ نوری، وحید (۱۳۹۰). *سیاست خارجی ایران در دوران اصول‌گرایی*. تهران: دانشگاه امام صادق.
۲۰. دهقانی فیروزآبادی، جلال؛ وهاب‌پور، پیمان (۱۳۹۱). *امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۱. رستمی، فرزاد؛ غلامی حسن‌آبادی، مسلم (۱۳۹۴). امنیت هستی‌شناختی و الگوی پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات الگویی پیشرفت اسلامی ایرانی*، ۶: ۷۱.
۲۲. سلطانی‌نژاد، محمد؛ کولایی، الهه (۱۳۹۳). مذاکرات هسته‌ای و منازعه ایران و امریکا: کنکاشی در نظریه بلوغ منازعه. *روابط خارجی*، ۶(۴): ۹۷-۱۲۵.
۲۳. طالعی حور، رهبر؛ علی امید؛ بصیری، محمدعلی (۱۳۹۵). عوامل هویتی تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۳(۴۵): ۹۰-۷۱.
۲۴. عرشیان، ابودر (۱۳۸۸). *جنگ سلطه: تحلیلی بر جهت‌گیری امریکا در اشغال عراق و تشکیل دولت وحدت ملی*. قم: اعتدال.
۲۵. غریب آبادی، کاظم (۱۳۸۶). *پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد*. تهران: وزارت امور خارجه.
۲۶. غیور، رامین، جعفری، هانیه (۱۳۹۵). قدرت نرم و توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۴(۲): ۱۱۸-۸۶.
۲۷. قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۲). نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل؛ رویکرد ایرانی-اسلامی نفی سبیل و برخورد با سلطه. *سیاست دفاعی*، ۲۱(۸۲): ۱۹۱-۲۴۸.
۲۸. قریشی، سیدیوسف (۱۳۹۳). *امنیتی شدن و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۹. قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۷). امریکا و بحران هسته‌ای ایران. *مطالعات راهبردی*، ۱۱(۴): ۸۲۷-۸۵۲.
۳۰. قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۷). *رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران*. با همکاری مرکز تحقیقات استراتژیک (مجمع تشخیص مصلحت نظام). تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۳۱. گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۴). *پرونده هسته‌ای ایران روندها و نظرها*. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۳۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.



۳۳. مطلبی، مهدی (۱۳۹۴). راز آنچه مرقوم داشته‌اند... نقد و بررسی توافق ژنو و سوئیس (به همراه بررسی تاریخچه مذاکرات هسته‌ای از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴). تهران: مجد اسلام.
۳۴. مکرمی، عباس (۱۳۹۲). تحولات اخیر خاورمیانه و فرصت‌های محیط امنیتی ایران. فرهنگ پژوهش، ۱۶(۱): ۱۷۱-۲۰۵.
۳۵. موسویان، سیدحسین (۱۳۹۴). روایت بحران هسته‌ای ایران (ناگفته‌های یک دیپلمات). ترجمه رحمن قهرمانپور. تهران: تیسرا.
۳۶. میتزن، جنیفر (۱۳۸۸). امنیت هستی‌شناختی. در: امنیت بین‌الملل. مایکل شیهان. ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۷. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۹۵/۸/۱۲). مشکلات کشور با روحیه و تفکر انقلابی حل خواهد شد. قابل دسترسی در: <http://www.leader.ir/fa/content/16617/leader.ir>

38. Giddens, A. (1991). **Modernity and self-Identity: Self and Society in the Modern Age**. Cambridge: pohity.
39. Zarakol, A. (2017). States and ontological security: A historical rethinking. *Cooperation and Conflict*, 52(1): 48-68. DOI: 10.1177/0010836716653158.
40. Kinnvall, C. & Mitzen, J. (2017). An introduction to the special issue: Ontological securities in world politics. *Cooperation and Conflict*, 52(1): 3-11. DOI: 10.1177/0010836716653162.
41. Browning, C. S. & Joenniemi, P. (2017). Ontological security, self-articulation and the securitization of identity. *Cooperation and Conflict*, 52(1): 31-47. DOI: 10.1177/0010836716653161.
42. Croft, S. & Williams, N. V. (2017). Fit for purpose? Fitting ontological security studies 'into' the discipline of International Relations: Towards a vernacular turn. *Cooperation and Conflict*, 52(1) 12-30. DOI: 10.1177/0010836716653159.

## References

1. Abolhassan shirazi, H. (2015). Anatomy of the iran-us Nuclear Talks to Achieve and Adopt Resolution 2231. *International Relations Bulletin*, 8 (30): 30-94. [In Persian].
2. Afzali, t. & Mousavi, M. (2016). Structural Analysis of the Foundations of US Foreign Policy Identity in fact the Nuclear Case of the Iran. *Political Science*, 19( 75): 151-172. [In Persian].
3. Ahmadian, gh. & Ahmadi, S. (2014). The Nuclear Conflict of Iran: Institutional Liberalism Versus Neorealism. *Political Science Bulletin*, 9(3): 37-73. [In Persian].
4. Anthesar, N. & Afrasibi, k. (2016). **Nuclear talks marathon (from Saad Abad to Luxemburg)**. Translate by: Jafari S. & Faqih R. Tehran: Gomes. [In Persian].
5. Giddens, A. (1991). **Modernity and self-Identity: Self and Society in the Modern Age**. Cambridge: Stanford University Press.
6. Arsichian, A. (2009). **Domination War: an analysis of US Orientation in the occupancy of Iraq and formation of a National Unity Government**. Qom: etedal Publications. [In Persian].
7. Asadi, A. (2014). Iran-us in Iraq: Variety of Actions. *Foreign Relations quarterly*, 6(4): 127-155. [In Persian].
8. Asefi, H. (2006). Securing the world. *Hamshahri Diplomatic*, 1(7): 31-36. [In Persian].
9. Zarakol, A. (2017). States and ontological security: A historical rethinking. *Cooperation and Conflict*, 52(1): 48-68. DOI: 10.1177/0010836716653158.
10. Bagheri dolatabadi, A. & shafiei, M. (2014). **From Hashemi to Rouhani (Iranian Foreign Policy Review in the Light of Structural Theory)**. Tehran: Tisa. [In Persian].
11. Barzegar, k. (2010). Nuclear Program and Strategic Dialogue Possibility between Iran and the Us. *Afaq Security*, 3(6): 30-50. [In Persian].
12. Kinnvall, C. & Jennifer, M. (2017). An introduction to the special issue: Ontological securities in world politics. *Cooperation and Conflict*, 52(1): 3-11. DOI: 10.1177/0010836716653162.
13. Browning, C. S. & Joenniemi, P. (2017). Ontological security, self-articulation and the securitization of identity. *Cooperation and Conflict*, 52(1): 31-47. DOI: 10.1177/0010836716653161.

14. Dareyai, M. (2015). **The documents Collection of the nuclear negotiations of the Islamic Republic of Iran and the 5+1 countries**. Tehran: Ministri of Foreign Affairs. [In Persian].
15. Darvishi, F. & Hatamzadeh, A. (2012). The process of confrontation the US and EU with Terrorism from diffent perceptions to collaborations common. *Geopolitical*, 9(2):136-160. [In Persian].
16. Dehghani Firoozabadi, J. & Nouri, V. (2011). **Iranian foreign policy during fundamentalism**. Tehran: Imam sadiq University diffusion. [In Persian].
17. Dehghani Firoozabadi, J. & Vahabpour, P. (2012). **Ontological Security in Foreign Policy of the Islamic Reoublic of Iran**. Tehran: Institute for Strategic Studies. [In Persian].
18. Dehghani Firoozabadi, J. (2009). Ontological Security in Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Foreign Relation*, 1(1): 41-76. [In Persian].
19. Dehghani Firoozabadi, J. & Ataei, M. (2015). Discourse Analysis of Ahmadinejad's Nuclear Policy From Hegemony to Decline. *Iranian Journal of International Policy*, 4(1): 22- 58. [In Persian].
20. Ghahramanpour, R. (2009). **The Great Power Approach Nuclear problem**. In cooperation with the Cnnter for Strategic Research (majmaey tashkhis maslahat nezam). Tehran: Assistance research of Islamic Azad Univesity. [In Persian].
21. Ghaiuor, R & Jafari, H. (2016). The soft Power and nuclear agreement of Iran with 5+1 countries. *Iranian Journal of International Policy*. 4(2): 86-118. [In Persian].
22. Ghanbarlu, A. (2009). US and Iranian nuclear tension. *Strategic Studies*, 11(2):827-852. [In Persian].
23. Gharib Abadi, K. (2007). **Iran's nuclear case narrative the documents**. Tehran: Ministri of Foreign Affairs. [In Persian].
24. Giddens, A. (2008). **Modernity and identity; Society and Personal identity in the new age**. Traslated by Naser Mofeghian. Tehran: Naye publication.
25. Golshan pajouh, M. (2005). **Iran's Nuclear case processes and opinions**. Tehran: Institute of Cultural Studies and International abrar mouaser Research. [In Persian].
26. Hossini Matin, M. (2012). **US confrontation with Iran arter the Cold War**. Tehran: Institute of Cultural Studies and International abrar mouaser Research. [In Persian].
27. Isam yari Shegofti, M. & Askari A. (2011). US soft War in aftermath of 9/ 11 With an emphasis on the war in Afghanistan, Iraq & tension with Iran. *Psychological Operations*, 121:190-207. [In Persian].
28. Janses, A. (2012). Identity in Us foreign policy and its implications for the Iranin nuclear program (2001-8). *World Politics*, 1(2):197- 232.
29. Javadi Arjmand, M. & Toloui, H. (2014). US militart invasion of Iraq on the intelligent power of Iran in Iraq. *Political, Journal of law and Political Science*, 44 (4):777-792. [In Persian].
30. Khaje Sarveyi, G.H. & Rahmani, M. (2012). Islamic Revolution of Iran and Shia Political Discourse in Iraq. *Islamic Revolutionary*, 1(3):29-58. [In Persian].
31. Mitzen, J. (2009). **Ontological Security. In: International Security**. Translation by Jalal Firoozabadi. Tehran: Institute for Strategic Studies.
32. Mokarami, A. (2013). Recent developments in the Middle East and opportunities of the Iranian security environment. *Journal Research of Cultral*, 6(16): :171- 205. [In Persian].
33. Mousavian, H. (2015). **Narrativ of Iran's Nuclear tension (Unspecified a Diplomat)**. Translated by Rahman Ghahramanpour. Tehran: Tisa Publishing. [In Persian].
34. Moutallebi, M. (2015). **The Swcret to what they have been... Review of the Genev and Swiss agreement (Together with the Review of the history of nuclear negotiations fram 1392-1394)**. Tehran: Majd-e Islam Publication of Shahid Kazemi Institute. [In Persian].
35. Qaderi kankavari, R. (2013). Resistance theory in international relation: Iranian-islamic approach to denying mustache and encounter with domination. *Defense Policy Magazine*, 21(82):191- 248. [In Persian].
36. Qureshi, Y. (2014). **Security and foreign policy of the Islamic Republic of Iran**. Tehran: Institute for Strategic Studies. [In Persian].
37. Rostami, F & gholami Hassanabadi, M. (2015). Ontological Security and the pattern of progress in the Islamic Republic of Iran. *Islamic Pattern Prodress Studies*, 6: 71. [In Persian].
38. Soltani Nejad, M. & Koolai, A. (2014). Nuclear Taiks And Iran-US Controversy: An Inquiry into the Maturity Controversy theory. *Foreign Relation*, 6(4): 97-125. [In Persian].
39. Steel, B.G. (2013). **Ontological Security in International Relations**. Translated by Jalal Dehghani Firoozabadi, Farzad Rostami & Mohammad Ali Ghasemi. Tehran: Strategic Studies Bulletin.
40. Croft, S. & Williams, N. V. (2017). Fit for purpose? Fitting ontological security studies 'into' the discipline of International Relations: Towards a vernacular turn. *Cooperation and Conflict*, 52(1) 12–30. DOI:10.1177/0010836716653159.

41. Tahei Hoor, R. & Omidi , A. & Basiry, A. (2016). Conflict of Identity factors in Iran- US relations. *Islamic Revolution Studies*,13( 45):71-90. [In Persian]
42. Information Office of the Supreme Leader's Office (12/8/2016). The country's problems will be resolved with morale and revolutionary thinking. **Available at:** <http://www.leader.ir/fa/content/16617/leader.ir> [In Persian].